

رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی

دوره ۵، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۶

ص ص: ۸۹-۱۰۴

مدلسازی ساختاری (SEM) مؤلفه های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل جمهوری اسلامی ایران

مهدی شریعتی^{۱*} - محمود گودرزی^۲

۱. دکتری مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۰ / ۰۶ / ۱۳۹۴، تاریخ تصویب: ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۹۴)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مدلسازی مؤلفه های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل جمهوری اسلامی ایران بود. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها آمیخته از نوع اکتشافی متوالی بود. نمونه مورد مطالعه برابر با جامعه و برابر با ۳۲۵ نفر از متخصصان داخلی و خارجی در زمینه دیپلماسی ورزش بودند که به لحاظ اجرایی یا علمی در حوزه روابط دیپلماتیک ورزش صاحب نظر و کرسی ملی و بین المللی بودند. ابزار پژوهش پرسشنامه ای ۶۰ سؤالی بود که پس از تحلیل عاملی اکتشافی ۵۹ سؤال آن در ۱۰ مؤلفه (برندینگ و پرستیژ بین المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه ای و توسعه قدرت هوشمندانه) باقی ماندند. آزمون های آلفای کرونباخ و p دیلون گلدشتاین پایایی ابزار و مؤلفه های آن را تأیید کردند. علاوه بر آن از بین مؤلفه های دیپلماسی ورزش، توسعه قدرت هوشمندانه بیشترین سهم را در تبیین واریانس مجموعه داشت. از سوی دیگر، روش حداقل مربعات جزئی علاوه بر ارائه و تأیید مدل نهایی پژوهش، روایی واگرا و همگرایی ابزار مورد استفاده را نیز تأیید کرد.

واژه های کلیدی

توسعه، دیپلماسی ورزشی، روابط بین الملل، رویدادهای ورزشی، ورزش.

مقدمه

امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین‌دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند (۴). به عبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این زمینه از ابزارهای مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و ... استفاده می‌شود (۷). در واقع دولت‌ها سعی دارند با استفاده از دیپلماسی عمومی افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند (۸). اگرچه ورزش - دیپلماسی در سال‌های اخیر به عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، تاریخچه این موضوع به قرن نهم پیش از میلاد باز می‌گردد؛ طی اولین جشنواره بازی‌های المپیک باستان یک «آتش‌بس المپیک»^۱ یا همان اکچیریا^۲ توسط پادشاهان^۳ آن زمان امضا شد (۱۶). آنها در آن زمان توافق کردند تا تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را طی برگزاری بازی به حالت تعلیق درآورند تا موجبات خشنودی تماشاگران و ورزشکاران این بازی را فراهم کنند. قرن‌ها پس از آن، امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا از این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (۲). گریکس^۴ (۲۰۱۳) چهار دلیل را برای ورود ورزش به دیپلماسی و روابط بین‌الملل بیان می‌دارد (۱۳):

۱. ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست‌های یک دولت داشته باشد (۱۲). کشور چین در دهه ۱۹۷۰ میلادی توانست توسط ورزش خود را به جامعه جهانی بقبولاند. نمونه بارز این موضوع حمایت چین از ورزشکار خود یائو مینگ^۵ بود که از وی به عنوان سخنگوی جهانی، نماینده فرهنگ چینی، مدرنیته و پیشرفت جهانی حمایت می‌کند. نمونه دیگر را می‌توان اعزام چهار بسکتبالیست آمریکایی در ۲۶ آگوست ۲۰۱۲ به کشور میانمار به عنوان بخشی از برنامه حمایتی ایالات متحده برای احترام به تنوع نژادی در نظر گرفت که آنها در آن کشور چند کارگاه آموزشی و کلینیک به راه انداخته‌اند (۱۸).

۲. رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می‌کنند. میزبانی یک رویداد بین‌المللی دلیلی بر تأیید شهروندی بین‌المللی خوب مردمان آن کشور است. ۴/۸ میلیارد نفر از مردم جهان توانستند سخنرانی ژاک روگ در بازی‌های افتتاحیه را که از ۳۰۰ میلیون بریتانیایی به دلیل به ارمغان آوردن شادی و مسابقات درخشان تشکر می‌کرد، تماشا کنند.

۳. سومین دلیل این است که دولت‌ها دیگر به ورزش دید پدیده‌ای اضافه^۶ یا مکان بکر^۷ را ندارند. امروز ورزش به نوعی قدرت مطلق تبدیل شده و ورزشکارانی مانند فدرر، بکام و مسی^۸ به نوعی نماینده حکومت‌ها هستند.

۴. دیپلماسی رشته‌های ورزشی به حکومت‌ها اجازه می‌دهد تا انعطاف‌پذیری شایان توجهی را در زمانی که روابط دیپلماتیک آنها ضعیف یا قوی هستند، در آن سوی

1. Olympic Truth
2. Ekecheiria
3. Lycurgus of Sparta, Cleisthems of Pisa & Iphistos of Elis
4. Grix

5. Yao Ming

6. Niche

7. Backwater

8. Messi, Beckham & Federer

وضعیت سیاسی از خود نشان دهند. تعاملات دیپلماسی ورزش مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است. آنها مسیرهای جایگزین برای گفت‌وگو میان ملل و افراد ناآشنا ایجاد می‌کنند و در مواردی ابزاری برای تحریک یا تنبیه یک ملت هستند. برای مثال در سال ۲۰۱۲ و پیش از آغاز بازی‌های ۲۰۱۲ لندن، در آرژانتین پیامی تبلیغاتی از تلویزیون پخش شد که در آن ورزشکاران آرژانتینی در جزایر فاکلند^۱ (جزایری که برای تصاحب آنها میان انگلستان و آرژانتین دعوا وجود دارد) تمرین می‌کردند و شعار آنها در این تبلیغ «برای رقابت در خاک انگلستان، ما در خاک آرژانتین تمرین می‌کنیم» بود که این موضوع موجب شد تا فیلیپ هاموند^۲ وزیر دفاع بریتانیا این تبلیغ را پروپاگاندای «غیرقابل امتحان، بسیار توهین آمیز و نامحترمانه» توصیف کند (۱۴).

همانند آنچه در دیپلماسی سنتی مانند احترام و پذیرش سفیران، توافق‌نامه‌های مذاکره‌ای و حل مناقشات صورت می‌گیرد، فعالیت ورزش بین‌الملل اساساً به صورت ارتباطی و نمایندگی ملل است (۳). مانند سایر اشکال دیپلماسی، ورزش بین‌الملل نیز در صحنه‌ها و ورزشگاه‌های معین اتفاق می‌افتد. تأثیر ورزش بین‌الملل به عنوان پدیده‌ای مستقل در ارتباطات دیپلماتیک میان دولت‌ها، مردم و سایر بازیگران می‌تواند به دو طبقه مهم دسته‌بندی شود که هر کدام از اینها بخشی مهم از دیپلماسی معاصر را در بعدی وسیع بررسی می‌کند؛ ۱. ورزش به عنوان مقوله‌ای که به طرق مختلف تأثیر مستقیم و مداوم بر روابط میان حکومت‌ها، ملل و مردمان داشته است؛ ۲. شیوه ورزش بین‌الملل که نیازمند بازیگران چندگانه به‌ویژه در حوزه دیپلماتیک است تا از طریق آنان بتواند اجرای رویدادهای ورزشی را ممکن سازد (۱۷). تاکنون پژوهش‌های کمی درباره تعامل میان دیپلماسی و

ورزش انجام گرفته است و پژوهش‌های انجام‌گرفته نیز اغلب از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک سنتی و حکومت‌محور و نه ابزاری واقعی برای اجرای سیاست‌های کارآمد نام برده‌اند. از آنجا که این نوع دیپلماسی به تازگی مطرح شده و تأثیر آن بر جامعه جهانی و ارتباطات آن هنوز مشخص نشده است، فاصله و گسست میان دو مقوله دیپلماسی و ورزش موانعی را برای ارزیابی ارزش بحث درباره این مفاهیم به وجود آورده است (۸). در زمینه دیپلماسی ورزشی تاکنون پژوهش‌های کیفی بسیاری در خارج از کشور انجام گرفته است. جکسون^۳ (۲۰۱۳) در بخشی از مقاله خود با عنوان «زمینه ورزش جایگاهی برای رقابت دنیای جهانی‌شده» به ارتباط میان ورزش و دین پرداخته است؛ کمی فکر کنید، اگرچه ورزش اشارات زیادی به مذهب و رعایت هنجارها (تقویت عضلات توسط عیسی مسیح (ع)) دارد، اما کاهش تعداد مسیحیان در سال‌های گذشته پاپ جان پاول دوم^۴ را مجبور کرد تا در بخشی از سخنانش در تأسیس دپارتمان رشته‌ای ورزشی در واتیکان^۵، بگوید: «کلیسا ... باید بدون شک به رشته‌های ورزشی توجه کند، پدیده‌ای که مشخصاً به عنوان یکی از شاه‌رگ‌های حیاتی فرهنگ معاصر و از جمله پیش‌قراولان آن است». وی در ادامه ضمن بررسی کارکرد دولتی ورزش می‌افزاید: نقش ورزش در زمینه سیاست خارجه و روابط دیپلماتیک روزبه‌روز مبهم‌تر می‌شود (۱۷). از سویی عده‌ای معتقدند که ورزش به عنوان پدیده‌ای ارزشی با دشمنی‌ها مبارزه می‌کند و افراد را به گفت‌وگوی صلح‌آمیز دعوت کرده و کمک می‌کند تا فهم بهتر فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف صورت گیرد. این در حالی است که عده‌ای دیگر معتقدند ورزش در بسیاری از موارد نه تنها دشمنی‌ها را از بین نمی‌برد، بلکه خود

3. Jackson

4. Pope John Paul II

5. Vatican

1. Falkland

2. Philip Hammond

منبع دشمنی و تضاد است. چا^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «بازی‌های آسیایی و دیپلماسی در آسیا (کره-چین-روسیه)» ضمن مروری کوتاه به بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن به نقش بازی‌های آسیایی در از میان بردن مرزهای ایجادشده در دوران پایانی جنگ سرد در آسیا اشاره می‌کند. وی در این مطالعه موردی ورزش را ابزاری تقویتی برای توسعه تعاملات بین‌الملل می‌نامد. وی در ادامه ورزش را یک «نشان ملی»^۲ می‌داند تا دولت‌ها و سیاست‌ها بتوانند اجتماعی تأثیرگذار باشند و از این راه به اهداف خویش دست یابند (۱۰). کاسترو^۳ (۲۰۱۳)، در پژوهشی دیگر با عنوان «دیپلماسی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ و جام جهانی فیفا ۲۰۱۴؛ راهبرد برزیل برای پیروزی بر قلوب و اذهان از طریق ورزش و فوتبال»، کسب مقام‌های مختلف قهرمانی کشور برزیل در سال‌های اخیر و میزبانی بازی‌ها و رویدادهای مختلف ورزشی مانند جام کنفدراسیون‌های فیفا (۲۰۱۳)، بیستمین قهرمانی دوندگان حرفه‌ای جهان (۲۰۱۳)، جام جهانی فوتبال (۲۰۱۴)، بازی‌های المپیک و پارالمپیک (۲۰۱۶)، پانزدهمین دوره بازی‌های پان آمریکن و پاراپان آمریکن (۲۰۰۷)، پنجمین دوره بازی‌های نظامی (۲۰۱۱) را موجبات افزایش قدرت هوشمندانه^۴ این کشور می‌داند (۹). وی در قسمتی از پژوهش خود دوران ریاست جمهوری سیلوا در برزیل در دو دوره از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ را دستمایه رشد اقتصادی، ثبات مالی، محرومیت اجتماعی و تمرین دموکراسی می‌داند و معتقد است برزیل به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور آمریکای جنوبی پا به پای کشورهای روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی رشد کرده و به‌عنوان یکی از کشورهای «بریک»^۵ خود را معرفی کند.

برزیل به لحاظ قدرت نرم پس از برگزاری جام جهانی فوتبال از رتبه ۲۱ به رتبه ۱۷ جدول جهانی جهش داشت (۹). گریکس و هولیهان^۶ (۲۰۱۴) نیز رویدادهای بزرگ ورزشی را به‌عنوان بخشی از استراتژی قدرت نرم می‌دانند؛ ایشان در مطالعه موردی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان و المپیک ۲۰۱۲ بریتانیا ضمن مقایسه بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان و المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن، گزارش کردند که آلمان‌ها در استفاده از سیاست از ورزش در قرن بیستم میلادی نقش مهمی داشته‌اند؛ آنها در دو دوره نازیسم و آلمان غربی سوشالیست - کمونیست از این موضوع به‌خوبی بهره گرفتند. ایشان سه دلیل برای موفقیت آلمان در برگزاری جام جهانی ۲۰۰۶ فوتبال گزارش کردند (۱۶):

۱. ارائه اطلاعات و آگاهی بخشیدن مناسب به مردم کشور در راستای مزایای میزبانی؛
۲. نگرش هوادارمحور توسط کمیته بازی‌ها که به‌خوبی توسط ژرمن‌ها پذیرفته شده بود؛
۳. آب‌وهوای بسیار خوب طی چهار هفته برگزاری این بازی‌ها.

بریتانیا نیز با برگزاری بازی‌های ۲۰۱۲ لندن توانست دیپلماسی عمومی خود را تقویت کند. طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ که بریتانیا به‌دنبال آمادگی برای برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن بود، این کشور در شش شاخص صادرات، مهاجرت، سرمایه‌گذاری، فرهنگ، گردشگری و مردم جزو شش دولت برتر دنیا قرار گرفت (۱۶). پیگمن^۷ (۲۰۱۴) در پژوهشی مروری با عنوان «ورزش بین‌الملل و بعد عمومی دیپلماسی؛ دولت‌ها، فدراسیون‌های ورزشی و جامعه جهانی» ضمن بررسی مفهوم رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به‌عنوان بازیگران دیپلماتیک از زمان المپیا باستان، از تیم‌های حاضر در

1. Cha
2. National Brand
3. Castro
4. Smart Power
5. BRIC: Stands for Brazil, Russia, India &, China

6. Grix & Houlihan
7. Pigman

این رویدادها نه تنها به عنوان نمایندگان وزارت خارجه کشورها، بلکه به عنوان نماینده همه مردم و دولت‌ها یاد کرده است. در این مقاله به رشد سریع تعداد رویدادهای ورزشی بین‌المللی در ۵۰ سال گذشته و افزایش تبادلات فرد به فرد به شکل شخصی، مجازی در خارج از مرزهای ملی اشاره شده است. علاوه بر این موضوع، به این نکته نیز اشاره شده که فناوری‌های روز دنیا به قدرت ارتباطی رویدادهای ورزشی بین‌المللی در دهه‌های اخیر کمک شایان توجهی کرده است که خود منشأ و سبب انقلاب در این زمینه شده است (۲۱). پیگمن و مورای^۱ (۲۰۱۴) نیز در بررسی دقیق با عنوان «طراحی ارتباط میان ورزش بین‌الملل و دیپلماسی» به دنبال ترویج بهترین شیوه مورد پذیرش حکومت‌ها مبنی بر تسهیل و آسان کردن استفاده از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک توسط آنان و کاربرد مؤثر دیپلماسی توسط نهادهای ورزشی بودند. این پژوهش تلاش داشت تا مروری چندگانه بر مطالعات مروری پیشین دیپلماسی ورزش که بر روی رشته‌های پینگ‌پنگ، فوتبال، بیسبال و ... صورت گرفته است و نقیصه نبود مطالعه‌ای جامع در این زمینه را تکمیل کند (۱۹). ایشان در قسمتی از مقاله خود ضمن بررسی چندگانه شبکه‌ها، بازیگران و راه‌های ورزش بین‌الملل و دیپلماسی، دو طبقه‌بندی متفاوت از دیپلماسی ورزشی را تعریف می‌کنند: اولین مورد شامل ورزش بین‌المللی است که آگاهانه توسط حکومت‌ها به عنوان ابزاری دیپلماتیک استفاده می‌شود و دومین طبقه ورزش و بین‌الملل به عنوان دیپلماسی که می‌تواند به عنوان بازیگری غیرحکومتی در رقابت‌های ورزشی بین‌المللی نقش مذاکره‌کننده و نماینده گفتمان را داشته باشد. حالت اول در جهان امروز آشناتر و رایج‌تر است، چراکه حکومت‌ها امروزه از ورزش برای بلندتر کردن صدای پیام‌های

دیپلماتیک خود استفاده می‌کنند یا از رویدادهای ورزشی به منزله فرصت‌هایی برای بهبود دیپلماسی عمومی خود بهره می‌گیرند و در نهایت در زیر پرچم روابط دیپلماتیک از ورزش به عنوان ابزاری برای کاهش تنش و ایجاد زمینه‌ای برای تغییرات سیاسی استفاده می‌کنند و این همان شکل سنتی بحث دیپلماسی ورزش است. حالت دوم که همان ورزش بین‌الملل به مثابه نوعی از دیپلماسی است، کمتر مورد توجه و فهم قرار گرفته است؛ این بعد شامل تأثیرات هر دو ورزش بین‌الملل بر روی دیپلماسی و اختصاصی شدن دیپلماسی ورزش بین‌الملل است؛ این در واقع همان فعالیت‌های دیپلماتیکی است که اتفاق می‌افتد که موجب اجرای مسابقات ورزش بین‌الملل می‌شود (۱۹). در اندک پژوهش‌های کیفی انجام گرفته درباره ایران، چهابی^۲ (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران» به بررسی نقش و جایگاه دیپلماسی ورزشی در برقراری ارتباط بین دو کشور از لحاظ سیاسی پرداخت. وی به قدرت رسیدن سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۹۹۷ را نقطه آغازی برای رویکرد دوستانه در برابر کشورهای مختلف دنیا تلقی کرد. خاتمی در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرد که از ورزش به عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی بین دو کشور همانند دیپلماسی تنیس روی میز نیکسون استفاده شود (۱۱). امیرتاش (۲۰۰۵)، در پژوهش دیگری با عنوان «ورزش و بازی‌های آسیایی؛ بزرگ‌ترین رویداد رشته‌های ورزشی در آسیا» به بررسی ابعاد مختلف هفتمین دوره بازی‌های آسیایی در سپتامبر ۱۹۷۴ پرداخت؛ وی با واکاوی اطلاعات مجله کیهان ورزشی و دنیای ورزش طی آن سال‌ها، به بررسی این بازی‌ها پرداخت. در این بازی‌ها ۳۶۰۰ ورزشکار از ۲۵ کشور قاره آسیا (از مجموع ۲۶ عضو فدراسیون بازی‌های

1. Pigman & Murray

2. Chehabi

آسیایی) در ۱۶ رشته ورزشی (شمشیربازی، ژیمناستیک، هاکی، بدمینتون، تنیس، فوتبال، بسکتبال، تنیس روی میز، بکس، کشتی، وزنه‌برداری، دوچرخه‌سواری، تیراندازی، شنا و دو و میدانی) به رقابت پرداختند که از میان ۱۲۹۲ مدال توزیع شده به ترتیب کشورهای ژاپن (۷۵ طلا، ۷۹ نقره و ۵۱ برنز)، ایران (۳۶ طلا، ۲۸ نقره و ۱۷ برنز) و چین (۳۳ طلا، ۴۵ نقره و ۲۸ برنز) بر سکوی اول تا سوم ایستادند. در این بازی‌ها چین پس از ۳۷ سال غیبت از تمامی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی، توانست برای اولین بار در این بازی‌ها شرکت کند؛ همچنین رشته‌های ژیمناستیک و شمشیربازی برای اولین بار به بازی‌های آسیایی راه یافتند. در این میان، ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان این بازی‌ها را پوشش رسانه‌ای دادند (۸). فزونی^۱ (۲۰۰۷) نیز در مقاله خود با عنوان «دین، سیاست و طبقه اجتماعی؛ تضاد و رقابت در فوتبال ایران» توسعه مذهبی، طبقاتی، جنسیتی و نژادی را از طریق فوتبال در ایران بررسی کرد؛ وی فوتبال را انعکاس «ساخت ملی» حکومت ایران و آن را ماحصل قدرت‌نمایی مذهب با طبقات اجتماعی می‌داند. از نظر فزونی، ناتوانی حکومت در کنترل منازعات فوتبالی کشور ایران موجبات تضعیف حکومت را فراهم می‌آورد و این موضوع خود دستمایه حمایت بیش از پیش آنان از رشته ورزشی کشتی به عنوان ورزش ملی می‌شود. او معتقد است فوتبال فضایی پرتلاطم و مناسب برای بروز تعارض‌ها و تضادهای مختلف است. از دید وی پیش از انقلاب رژیم پهلوی و پس از انقلاب نیز دولت‌های وقت از فوتبال استفاده ابزاری کردند و به عنوان اهرمی سیاسی و اقتصادی برای رسیدن به اهداف حکومتی خود استفاده می‌کردند (۱۳). از نظر قدرت سیاسی، در محیط استبدادی و استعمارزده منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک ایران،

به دلیل وجود حکومت مستقر و مستقل، بسیار حائز اهمیت است. افزایش رفت و آمد مقامات خارجی به تهران، نشان‌دهنده تغییر رویکرد این کشورها نسبت به ایران است؛ تغییری که خود از تغییر در سیاست خارجی و دیپلماسی کشورمان نشأت می‌گیرد. با آغاز به کار دولت یازدهم، تحرک چشمگیری در حوزه سیاست خارجی کشور و تعامل با کشورهای جهان آغاز شد؛ تحرکی که توافق هسته‌ای وین را می‌توان نقطه عطف آن دانست. همچنین تمایل کشورهای جهان به تعامل با ایران، نشان‌دهنده درک آنان از تغییری است که در ایران صورت گرفته است؛ تغییری که در آن تعامل و ارتباط سازنده با جهان، یکی از پایه‌های اقتدار کشور محسوب می‌شود. در این میان و از یک سو با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران در عرصه جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص، و از سوی دیگر حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران در رویدادهای بین‌المللی پربیننده مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال و لیگ جهانی والیبال فرصتی به وجود آمده است تا ضمن کاهش فشار جامعه جهانی، نخبگان ورزش کشور به ارتقای جایگاه ایران در ساختار جدید جهانی کمک کنند. از این رو پژوهش حاضر تلاش کرد تا ضمن بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش، جایگاه آن را در «ساختار و هندسه جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران تبیین کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های میدانی بود. با عنایت به هدف اصلی، روش انجام پژوهش حاضر روش آمیخته از نوع اکتشافی متوالی^۲ (ابتدا روش کیفی و سپس

1. Fozooni

2. Sequential Expletory

روش کمی) بود. برای ساخت مدل مفهومی پژوهش در ابتدا از تحلیل محتوا (مصاحبه کیفی با افراد متخصص) (با استفاده از مطالعه مقالات، اسناد و مدارک و ابزار مصاحبه) استفاده شد. با استفاده از نمونه گیری گلوله برفی و طی مصاحبه با خبرگان و متخصصان امر (۱۱ متخصص داخلی و ۲ متخصص خارجی) مؤلفه های ورزشی شکل دهنده دیپلماسی ورزش پس از دو دور دلفی و باقی ماندن ۱۰ گویه و ۵۹ سؤال شناسایی و دسته بندی شدند. تعداد ۶۳۵ پرسشنامه دوزبانه (۳۰۰ عدد حضوری و ۳۳۵ عدد از طریق پست الکترونیکی) در بین نمونه آماری منتخب توزیع شد که در نهایت ۳۲۵ پرسشنامه عودت داده شد. در ادامه با استفاده از نرم افزار SPSS از روش های آمار استنباطی از جمله آزمون آلفای کرونباخ، تحلیل عاملی اکتشافی از روش تحلیل عناصر اصلی^۱ با چرخش عمودی^۲ و با تکنیک واریماکس^۳ و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در ادامه برای اطمینان از پایایی مجدد ۱۰ مؤلفه به دست آمده از آزمون دیلوگلدشتاین استفاده شد. در نهایت به منظور بررسی روایی واگرا و همگرا و طراحی مدل ساختاری مؤلفه های شکل دهنده پرسشنامه دیپلماسی ورزش از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار PLS استفاده شد.

نتایج و یافته های تحقیق

با توجه به جدول ۱، یافته های توصیفی پژوهش نشان داد ۲۷/۴ درصد از نمونه مطالعاتی بیش از ۴۵ سال داشتند و ۳۲/۹ درصد از آنان دارای مدرک دکتری بودند. سایر یافته های دموگرافیک در زیر آمده است.

آزمون KMO اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می کند؛ یعنی مشخص می کند که آیا واریانس متغیرهای

تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل های پنهانی و اساسی است یا خیر؟ به عبارتی می توان گفت که واریانس مجموعه متغیرها ناشی از یک سری مؤلفه ها پنهانی و بنیادی است و نه تمامی این متغیرها؟ در ادامه برای تجزیه و تحلیل ۵۹ گویه باقی مانده از روش تحلیل عناصر اصلی با چرخش عمودی و با تکنیک واریماکس استفاده شد. مقدار شاخص KMO برابر ۰/۹۰۹ شد که نشان دهنده کفایت نمونه گیری است. مقدار این شاخص همواره بین ۰ و ۱ در نوسان است. در صورتی که KMO کمتر از ۰/۵ باشد، داده ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد، داده ها متوسط بوده و اگر مقدار این شاخص بزرگ تر از ۰/۷ باشد، همبستگی موجود در بین داده ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود. آزمون کرویت بارتلت (آزمونی که به دنبال برآوردن هدف دوم تحلیل عاملی یعنی پس از فراهم کردن امکان تقلیل داده ها به یک سری عامل های پنهانی، بتوان ساختار جدیدی را براساس همبستگی بین متغیرها و عامل ها و معنای انضمامی آنها کشف کرد) نیز معنادار به دست آمد که گواهی بر تناسب ماتریس همبستگی برای تحلیل عاملی است ($F=1711$, $p=0.00$, sig).

با توجه به جدول ۲، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد هر ده عامل در تبیین سازه مورد نظر مهم اند؛ با توجه به جدول ۲ عامل اول (توسعه قدرت هوشمند) ۸/۴۸۲ درصد؛ عامل دوم (بعد تاریک) در حدود ۸/۲۷ درصد؛ عامل سوم (تعاملات رسانه ای) در حدود ۸/۱۹ درصد؛ عامل چهارم (توسعه اقتصادی) در حدود ۷/۳۶ درصد؛ عامل پنجم (صلح و دوستی) در حدود ۷/۰۷ درصد واریانس، عامل ششم (توسعه فرهنگی) در حدود ۶/۷۱ درصد واریانس، عامل هفتم (برندینگ و پرستیژ بین الملل) در حدود ۶/۵۶ درصد واریانس، عامل هشتم

1. Principle Component Method (PCM)
2. Orthogonal Rotation
3. Varimax

پایایی استفاده می‌شود، پایایی ترکیبی است که طی آن پایایی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌شود و در صورتی که مقدار پایایی مرکب (ترکیبی) برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه‌گیری دارد. برای تأیید پایایی مرکب از ρ دیلون-گلدشتاین استفاده می‌شود. این شاخص نسبت به آلفای کرونباخ شاخص بهتری است. آلفای کرونباخ و پایایی مرکب (دیلون-گلدشتاین) نیز نشان دادند که یافته‌های پژوهش و مدل مورد اندازه‌گیری از اعتبار خوبی برخوردار است.

(توسعه سیاسی) در حدود ۶/۵۴ درصد واریانس، عامل نهم (وحدت و همگرایی) در حدود ۶/۲۰۷ درصد واریانس، عامل دهم (مبارزه با انزوا) در حدود ۴/۷۶ درصد واریانس را تبیین می‌کند. معمولاً اولین معیاری که در مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی کنترل می‌شود، پایایی سازگاری درونی است. معیار سنتی برای این کنترل آلفای کرونباخ است. آلفا شاخصی کلاسیک برای تحلیل پایایی و نشان‌دهنده یک سنت قوی در جامعه SEM است، که برآوردی را برای پایایی براساس همبستگی درونی معرفی‌ها ارائه می‌دهد. معیار مدرن‌تری که PLS برای ارزیابی

جدول ۱. یافته‌های دموگرافیک (جمعیت‌شناختی) نمونه مطالعاتی

متغیر	دامنه	فراوانی	درصد فراوانی
سن	کمتر از ۳۰ سال	۳۹	۱۲
	۳۱ تا ۳۵ سال	۸۲	۲۵/۲
	۳۶ تا ۴۰ سال	۲۸	۸/۶
	۴۱ تا ۴۵ سال	۸۷	۲۶/۸
	بیش از ۴۵ سال	۸۹	۲۷/۴
سطح تحصیلات	دکتری	۱۰۱	۳۱/۱
	کارشناسی‌ارشد	۱۰۷	۳۲/۹
	کارشناسی	۱۰۵	۳۲/۳
	کارדانی	۱۱	۳/۴
	دیپلم	۱	۰/۳
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	۲۸	۸/۶
	۶ تا ۱۰ سال	۵۲	۱۶
	۱۱ تا ۱۵ سال	۴۳	۱۳/۲
	۱۶ تا ۲۰ سال	۷۳	۲۲/۵
	بیشتر از ۲۰ سال	۶۹	۲۱/۲
تجربه کرسی بین‌المللی در ورزش	بلی	۱۶	۴/۹
	خیر	۳۰۹	۹۵/۱
رشته تحصیلی	تربیت بدنی	۹۹	۳۰/۴
	علوم سیاسی و روابط بین‌الملل	۱۱۲	۳۴/۴
	سایر	۱۱۴	۳۵

جدول ۲. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها براساس تحلیل عاملی اکتشافی

نام عامل	رتبه	بارعاملی	آلفای کرونباخ	دیلون-گلدشتاین ρ
توسعه قدرت هوشمندانه	۱	۸/۴۲	۰/۸۸۰۳	۰/۹۰۹۳
بعد تاریک	۲	۸/۲۷	۰/۸۹۲۰	۰/۹۱۷۵
تعاملات رسانه‌ای	۳	۸/۱۹	۰/۹۱۸۵	۰/۹۳۴۸
توسعه اقتصادی	۴	۷/۳۶	۰/۹۰۳۰	۰/۹۲۵۲
صلح و دوستی	۵	۷/۰۷	۰/۸۴۵۹	۰/۸۹۵۶
توسعه فرهنگی	۶	۶/۷۱	۰/۸۹۸۵	۰/۹۲۴۸
برندینگ بین‌الملل	۷	۶/۵۶	۰/۹۱۹۹	۰/۹۳۵۹
توسعه سیاسی	۸	۶/۵۴	۰/۹۴۰۳	۰/۹۵۲۴
وحدت و همگرایی	۹	۶/۲۰	۰/۸۹۶۴	۰/۹۲۰۱
مبارزه با انزوا	۱۰	۴/۷۶	۰/۹۲۱۶	۰/۹۳۸۷

براساس خروجی های آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال دارند و می توان از آزمون های آماری پارامتریک که در جدول ۳ نشان داده شده است، تمام ابعاد توزیع به منظور پاسخ به پرسش های تحقیق استفاده کرد.

جدول ۳. نتیجه آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای هر یک از متغیرها

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	Sig	نتیجه آزمون
توسعه قدرت هوشمندان	۳۲۵	۲/۸۸۰	۰/۷۹۶	۰/۰۵۷	نرمال
بعد تاریک	۳۲۵	۳/۲۲۹	۰/۸۰۷۵۳	۰/۰۸۸	نرمال
تعاملات رسانه ای	۳۲۵	۳/۰۰۷۷	۰/۹۳۵۵۲	۰/۰۸۴	نرمال
توسعه اقتصادی	۳۲۵	۲/۶۵۲	۰/۸۳۹۴۶	۰/۲۱۸	نرمال
وحدت و همگرایی	۳۲۵	۲/۸۵۳۸	۰/۸۰۳۷۵	۰/۳۲	نرمال
توسعه فرهنگی	۳۲۵	۳/۳۴۶۲	۰/۸۰۲۵۷	۰/۰۶۲	نرمال
برندینگ بین الملل	۳۲۵	۲/۸۸۱۰	۰/۷۵۱۲۲	۰/۱۶	نرمال
توسعه سیاسی	۳۲۵	۲/۸۴۹۷	۰/۸۳۹۷۳	۰/۲۹۸	نرمال
صلح و دوستی	۳۲۵	۲/۷۵۵۷	۰/۹۱۵۳۱	۰/۲۴	نرمال
مبارزه با انزوا	۳۲۵	۲/۸۳۸۵	۰/۸۵۰۵۵	۰/۴۰	نرمال

نتایج آزمون پیرسون نشان داد از میان مؤلفه های هوشمندان بیشترین همبستگی را دارد ($r = ۰/۵۳۵$). مورد مطالعاتی، برون رفت از بعد تاریک با توسعه قدرت سایر یافته های آزمون پیرسون در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین متغیرهای موجود در تحقیق

مؤلفه های مورد بررسی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
توسعه قدرت هوشمندان	۱									
برون رفت از بعد تاریک	۰/۵۳۵	۱								
تعاملات رسانه ای	۰/۱۶۵	۰/۱۷۸	۱							
توسعه اقتصادی	۰/۲۶۰	۰/۳۳۵	۰/۲۸۸	۱						
وحدت و همگرایی	۰/۴۹۸	۰/۴۷۸	۰/۲۴۹	۰/۳۱۲	۱					
توسعه فرهنگی	۰/۳۴۹	۰/۴۳۹	۰/۳۸۰	۰/۳۰۷	۰/۴۸۶	۱				
برندینگ بین الملل	۰/۴۰۶	۰/۴۲۳	۰/۲۰۸	۰/۳۶۷	۰/۴۵۳	۰/۳۶۱	۱			
توسعه سیاسی	۰/۲۴۹	۰/۳۱۱	۰/۳۸۵	۰/۵۱۰	۰/۳۴۷	۰/۳۹۳	۰/۲۲۱	۱		
صلح و دوستی	۰/۳۶۱	۰/۳۹۸	۰/۲۱۱	۰/۲۶۹	۰/۵۰۱	۰/۲۹۳	۰/۳۶۲	۰/۱۵۸	۱	
مبارزه با انزوا	۰/۲۶۶	۰/۳۳۸	۰/۲۶۱	۰/۳۶۸	۰/۳۲۵	۰/۳۵۰	۰/۲۴۲	۰/۴۹۵	۰/۱۵۴	۱

پیوند میان دانش نظری و تجربی به منظور درک بهتر از دنیای واقعی از ویژگی‌های رویکردی الگویابی معادلات ساختاری است. چنین تحلیلی امکان الگوسازی براساس متغیرهای مکنون^۱ و متغیرهای مشهود^۲ را همزمان فراهم می‌سازد و این ویژگی بسیار مناسب برای تحلیل الگوهای نظری است که در بیشتر مواقع مفاهیم اشاره شده در آنها پدیده‌های غیرقابل مشاهده را خلاصه کرده است. متوسط واریانس استخراج شده (AVE) به عنوان معیاری برای اعتبار همگرا به کار می‌رود. حداقل (AVE) معادل ۰/۵ بیانگر اعتبار همگرایی کافی است؛ به این معنا که یک متغیر مکنون می‌تواند به طور متوسط بیش از نیمی از پراکندگی معرف‌هایش را تبیین کند. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار AVE برای متغیر مکنون با مدل انعکاسی بالاتر از ۰/۵ است. برای سه متغیر مکنونی که هر کدام با یک متغیر مشاهده شده سنجیده شده‌اند، مقدار این شاخص برابر یک است. بنابراین می‌توان گفت که روایی همگرایی مدل‌های اندازه‌گیری مطلوب است. روایی افتراقی مفهومی تکمیل‌کننده است و در مدلسازی مسیری PLS دو معیار برای آن مطرح است: معیار فورنل-لارکر و آزمون بار عرضی. معیار فورنل لارکر بیان می‌دارد که از نظر آماری AVE هر متغیر مکنون باید بیشتر از بالاترین توان دوم همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای مکنون باشد. این معیار روایی افتراقی را در سطح سازه ارزیابی می‌کند. با توجه به اینکه مقدار AVE برای هر سازه بیشتر از توان دوم همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های انعکاسی موجود در مدل است، بنابراین روایی افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی تأیید می‌شود (۴). آزمون بار عرضی یکی دیگر از معیارهای ارزیابی روایی افتراقی است که آزادی بیشتری دارد. در این آزمون انتظار می‌رود بار هر معرف برای هر متغیر

مکنون خود بیشتر از بارهای عرضی یا بار آن معرف برای سایر متغیرهای مکنون باشد. اگر معیار فورنل-لارکر روایی افتراقی را در سطح سازه ارزیابی می‌کند، آزمون بار عرضی ارزیابی روایی را در سطح معرف فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش در این بخش نشان داد که بار هر معرف انعکاسی برای هر سازه بیشتر از بار آن معرف برای سایر سازه‌ها و بیانگر تأیید نهایی روایی مدل اندازه‌گیری است. در بررسی مدل ساختاری، ضرایب معناداری Z (مقادیر T-VALUE)، معیار R^2 ، و معیار Q^2 مدل ساختاری بررسی می‌شود. به طور کلی ضریب معناداری Z (T - Value) براساس نقاط بحرانی ۱/۹۶ و ۱/۹۶- تعیین می‌شود. بدین ترتیب که چنانچه میزان ضریب معناداری بیشتر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد، فرض صفر مورد پذیرش و وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. یافته‌های این قسمت بیانگر تأیید تمام مفروضات اولیه پژوهش است. از سوی دیگر، هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. در یک مدل، در صورتی که یک سازه درون‌زا تحت تأثیر یک یا دو سازه درون‌زا قرار گیرد، مقدار R^2 از ۰/۳۳ به بالا نشان از قوت رابطه میان بین آن سازه و سازه‌های درون‌زا دارد. مقدار R^2 برای متغیر مکنون در سطح متوسط وجود دارد. معیار Q^2 یا آزمون استون-گیر قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می‌سازد. در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به عنوان قدرت پیش‌بین کم، متوسط و قوی تعیین کرده‌اند. در صورتی که مقدار این معیار صفر یا کمتر از صفر شود، مدل احتیاج به اصلاح دارد (۴). همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مدل ارائه شده در این پژوهش توانایی بالایی در پیش‌بینی مؤلفه‌های وابسته و دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل دارد.

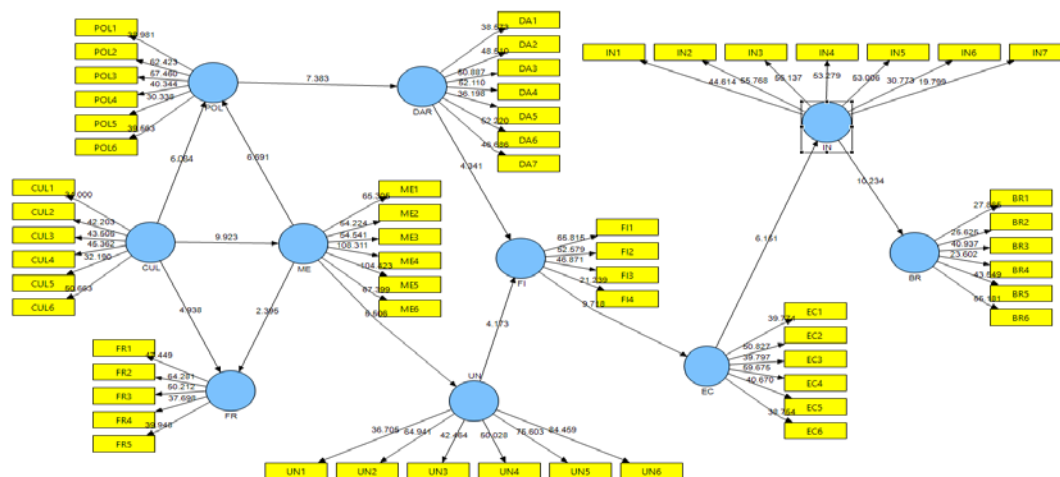
1. Latent Variable

2. Manifest Variable

جدول ۵. برازش مدل ساختاری

سازه پیش بین	AVE	سازه ملاک	ضریب تأثیر مسیر	T-Value	R ²	F ²	Q ²	Red
توسعه فرهنگی	۰/۶۴۹۹	توسعه سیاسی تعاملات رسانه‌ای صلح و دوستی	۰/۲۹۱ ۰/۳۸۸ ۰/۲۵۳	۵/۷۲۹ ۹/۷۵۴ ۵/۲۰۲	-----	۰/۱۲ ۰/۰۶ ۰/۰۰۵	۰/۶۷۲	۰/۶۷۲
توسعه سیاسی	۰/۶۵۷۷	برون رفت از بعد تاریک	۰/۳۲۷	۷/۶۲۰	۰/۲۲۸	-----	۰/۶۵۷	۰/۱۴۶
تعاملات رسانه‌ای	۰/۷۶۹۴	توسعه سیاسی بر صلح و دوستی وحدت ملی و همگرایی	۰/۲۸۳ ۰/۱۱۸ ۰/۲۵۴	۶/۲۷۳ ۲/۱۳۸ ۵/۶۳۱	۰/۱۵	-----	۰/۷۱۶	۰/۱۱۳
برون رفت از بعد تاریک	۰/۶۷۲۰	بر مبارزه با انزوا	۰/۲۳۶	۴/۵۶۸	۰/۱۰۷	-----	۰/۶۷۲	۰/۰۶۸
وحدت و همگرایی ملی	۰/۷۱۸۹	مبارزه با انزوا	۰/۲۲۳	۴/۴۹۵	۰/۰۶۴	-----	۰/۷۱۸	۰/۰۴۶
مبارزه با انزوا	۰/۶۸۲۸	توسعه اقتصادی	۰/۳۸۴	۹/۰۳۰	۰/۱۵۵۹	-----	۰/۶۸۲	۰/۱۰۴
توسعه اقتصادی	۰/۶۷۳۶	توسعه قدرت هوشمند	۰/۲۶۴	۵/۹۰۸	۰/۱۴۷	-----	۰/۶۵۷	۰/۰۹۸
توسعه قدرت هوشمندانه	۰/۶۷۶۳	برندینگ بین الملل	۰/۴۱۲	۹/۵۷۰	۰/۰۶۹	-----	۰/۶۷۶	۰/۰۴۶
صلح و دوستی	۰/۷۱۱۱	-----	-----	-----	۰/۱۰۱	-----	۰/۷۱۱	۰/۰۷
برندینگ بین الملل	۰/۶۲۶۰	-----	-----	-----	۰/۱۷	-----	۰/۶۲۶	۰/۱۰۵

در نهایت مدل نهایی به دست آمده برگرفته از جدول ۵
با استفاده از نرم افزار پی ال اس نیز در شکل ۲ آمده است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش (POL: توسعه سیاسی، CUL: توسعه فرهنگی، FR: صلح و دوستی، UN: وحدت و همگرایی، EC: توسعه اقتصادی، BR: برندینگ و پرستیژ بین المللی، IN: قدرت هوشمندانه، FI: مبارزه با انزوا، ME: تعاملات رسانه‌ای، DAR: بعد تاریک)

بحث و نتیجه‌گیری

میان‌رشته‌ای با ارتباط با فرهنگ، اقتصاد و سیاست به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی قدرت هوشمندانه (۱) می‌تواند جایگزینی مناسب برای بهبود تعاملات سیاسی میان کشورها باشد. بعد تاریک (۸/۲۷ درصد) دومین عامل و دربرگیرنده تحریم و ترور در ورزش بین‌الملل است. رویدادهای بزرگ ورزشی به‌دلیل پوشش وسیع رسانه‌ای، توجه و مخاطب میلیاردی خود بهترین و مقرون به‌صرفه‌ترین مکان برای فعالیت‌های تروریستی و ضدبشری است. رسانه در واقع «تئاتر خیمه‌شب‌بازی» تروریست‌ها به‌منظور رسیدن به اهداف خود است (۴). بازی‌های المپیک ۱۹۷۲ مونیخ را می‌توان سرآغاز این مفهوم در جامعه بشری دانست، چراکه پس از آن چهره ترور با مردی نقاب‌پوش در اذهان مردم جهان تداعی می‌شد. پس از آن بازی‌ها ۱۷۸ مورد حمله تروریستی مرتبط با رویدادهای ورزشی و ورزشکاران به ثبت رسیده است (۴). تعاملات رسانه‌ای (۸/۱۹ درصد) سومین عامل تشکیل‌دهنده دیپلماسی ورزشی است.

جهانی شدن و انقلابات ارتباطاتی و چگونگی توصیف یک کشور در رسانه‌ها را می‌توان از جمله مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در توسعه روابط دیپلماتیک دانست. تمایل افکار

اولین و مهم‌ترین عامل در بین ابعاد دیپلماسی ورزش قدرت هوشمندانه (۸/۴۸ درصد) بود؛ اگرچه بسیاری از پژوهشگران این قدرت را هم‌ردیف با قدرت نرم می‌دانند، نای^۱ (۲۰۰۳) قدرت هوشمندانه را ترکیبی از قدرت سخت و نرم تعریف می‌کند (۴)؛ از این دیدگاه قدرت نرم زمینه‌ساز نفوذ و ژرفای بیشتر کاربرد قدرت سخت است. سازگاری و حرکت ورزش با افکار عمومی را می‌توان از جمله دلایل بارز ظهور قدرت هوشمندانه در این زمینه نامید (۵). ورزش در کنار مسئولان، مخاطبی غیر از آنان را نیز پوشش می‌دهد و در این زمینه ابزارهای تبلیغاتی مختلفی از جمله رسانه‌ها را نیز درگیر می‌کند و می‌تواند از این بستر برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک خود نیز استفاده کند. ورزش می‌تواند خواسته‌های افراد را بدون پنهان‌کاری و مونوپل کردن منتشر کند و به این نیازها از طریق مجذوب کردن (به‌جای اجبار یا امتیاز) پاسخ دهد. دیپلماسی ورزشی با ارائه جذابیت شیو فرنیکی نهفته در خود می‌تواند با تأثیرگذاری بر عامة مردم به نتایج مطلوب دست یابد. در واقع ورزش به‌عنوان مفهومی

عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی در رسانه های ارتباطی جمعی جهانی از سوی دیگر، موجب شده است تا قلمرو ورزش و سیاست روزبه روز به هم نزدیک تر شوند (۶). فیشر^۱ (۲۰۰۳) دیپلماسی عمومی را ماحصل سه بخش تبادل فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی و پخش رسانه ای می داند که ورزش بین الملل می تواند در هر سه قسمت نقش مهمی داشته باشد و در پیوستار خصوصی-عمومی در هر نقطه ای قرار گیرد (۲۱). مدیریت رسانه های ورزشی در دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی که همواره پشت درهای بسته و به دور از هیاهوی رسانه ها برگزار می شود، نقشی حیاتی در بهبود جایگاه کشورها در روابط بین الملل دارد. توسعه اقتصادی (۷/۳۶ درصد) چهارمین مؤلفه توسعه روابط دیپلماتیک کشورهاست. بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که توسعه دیپلماسی ورزشی در گرو توسعه اقتصادی کشورها و برعکس است. هر کشوری با میزبانی رویدادهای ورزشی می تواند با کسب میزبانی درصد جزیی مسائل و مشکلات اقتصادی خود را برطرف کند و با پیشرفت اقتصادی روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را سامان دهد. برای مثال کشورهای بزرگ (برزیل، چین، روسیه و هند) از میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی نیز به عنوان یکی از منابع راهبردی توسعه روابط دیپلماتیک استفاده می کنند. صلح و دوستی (۷/۰۷ درصد) پنجمین مؤلفه توسعه روابط دیپلماتیک از طریق ورزش است. مردم جهان از طریق بازی با یکدیگر تفاهم بیشتری پیدا می کنند و در نتیجه برای رفع اختلاف های خود کمتر به زور متوسل شوند. ناکارآمدی دیپلماسی نظامی در حل مناقشات و منازعات سیاسی کشورها سبب شده تا این مفهوم به عنوان یکی از مؤلفه های اثرگذار دیپلماسی

ورزشی مطرح شود. از سوی دیگر، یک کشور با روابط حسنه و دوستانه با جامعه بین المللی شانس بالاتری برای کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی دارد. توسعه فرهنگی (۶/۷۱ درصد) همراه کردن دیپلماسی ورزشی با روابط فرهنگی از جمله مؤلفه های مولد قدرت نرم است. ورزش بستری مناسب برای ارائه و ظهور خرده فرهنگ های کشورهای مختلف به ویژه میزبانان رویدادهای بزرگ ورزشی است. در واقع کشورها از طریق نمایش فرهنگ خود در رویدادهای بزرگ ورزشی به قبض و بسط جایگاه خود در عرصه بین الملل می پردازند. برندینگ و پرستیژ بین المللی (۶/۵۶ درصد) هفتمین مؤلفه دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل است. برندینگ بین المللی شکل تازه ای از دیپلماسی عمومی در بین کشورهاست که آسان ترین شکل دستیابی به آن از طریق ورزش است (۲۰). ورزش به عنوان یک «برند ملی» موجب می شود تا دولت ها و سیاست ها بتوانند اجتماعی تأثیرگذار باشند و از این راه به اهداف خویش دست یابند. توسعه سیاسی (۶/۵۴ درصد) اگرچه در ادبیات سیاسی دیپلماسی ورزشی به عنوان ابزاری در دست سیاستمداران بوده، اما امروزه بیشتر متخصصان حوزه دیپلماسی ورزش بر این باورند که ورزش خود می تواند به عنوان مسیری مرتبط با روابط سیاسی نقشی متمایز و مستقل در توسعه روابط دیپلماتیک ایفا کند. وحدت و همگرایی ملی (۶/۲۰ درصد) نهمین مؤلفه تشکیل دهنده دیپلماسی ورزش است. برای نمونه در مسابقات جهانی اهتزاز پرچم و پخش سرود ملی یک کشور به دنبال پیروزی ورزشکاران وابسته به خرده فرهنگ های مختلف آن کشور بازگوکننده وحدت ملی در آن کشور است. مبارزه با انزوا و تحریم (۴/۷۶ درصد) آخرین عامل تشکیل دهنده توسعه روابط دیپلماتیک در ورزش است. تحریم های اقتصادی یکی از ابزارهای دیپلماسی اجبار است که ورزش به مثابه ارزش

فرهنگی کشیده شود، نه تنها در سطح رسمی باقی می ماند، بلکه پیوندهای گسترده تری را میان ملت ها ایجاد می کند.

مشترک جهانی تجلی گاه تقابل کشورهای متخاصم و متجاوز در مقابل یکدیگر است. کشورها از بستر ورزش به منظور اعتراض خود نسبت به رفتار جامعه جهانی یا به طور خاص کشوری متجاوز علیه خود استفاده می کنند. نتایج معادلات ساختاری نیز تمامی مفروضات برخاسته از مدل مفهومی پژوهش را تأیید کرد. جدول ۵ نشان داد که در ابتدا توسعه فرهنگی بر تعاملات سیاسی اثرگذار است. لانزاک و بلین^۱ (۲۰۱۱) تحقق اهداف نرم را در سایه تعاملات فرهنگی مانند سفیران هنری، ورزشی و ... می دانند. برای نمونه فدرر، بکام، مسی و ... نمونه بارز سفیران فرهنگی اند که با حضور خود در مراسم مختلف می توانند به توسعه سیاسی کشور خود کمک کنند (۱۸). از سوی دیگر، ایجاد سازمان ها و نهادهای ویژه ای برای تنظیم و اجرای روابط فرهنگی، انعقاد موافقت نامه ها، تفاهم نامه های خواهرخواندگی، تأسیس مراکز فرهنگی، انجمن های دوستی، همکاری های علمی، پژوهشی و دانشگاهی، همکاری میان سازمان های رادیویی و تلویزیونی، ورزشی، جهانگردی، جوانان و ... از جمله ابزارهایی هستند که امروزه در روابط فرهنگی به کار گرفته می شود که این موضوع خود می تواند زمینه ساز رشد سیاسی و ایجاد یا تقویت روابط سیاسی کشورها با یکدیگر شود. از سوی دیگر، یافته های پژوهش نشان داد توسعه فرهنگی بر تعاملات رسانه ای تأثیرگذار است. پرواضح است در عرصه فرهنگ مقوله هایی چون هنر (فیلم، سرگرمی، موسیقی، تئاتر، هنرهای نمایشی) و رسانه ها (رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلات، اینترنت و ماهواره) نقش پررنگی دارند. از یک سو با توجه به مخاطب میلیاردي رسانه و از سوی دیگر با توجه به زبان ملایم فرهنگ این مفهوم می تواند روابط رسمی را همراه با تفاهم همچنان زنده نگه دارد. روابط میان کشورها چنانچه به عرصه های

1. Lanzac & Blain

منابع و مآخذ

۱. آهنین جان، ستار (۱۳۹۱). «تأثیر رفتارهای حمایت‌گرانه در توسعه و اثربخشی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص ۲۷.
۲. دوستی، مرتضی (۱۳۹۱). «علل ورود سیاسیون به ورزش»، رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، ص ۴۱.
۳. سمیعی، علیرضا؛ فتحی، عبدالرضا (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۳، ص ۱۷۶-۱۴۵.
۴. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ سجادی، نصراله؛ خبیری، محمد؛ علیدوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۴). «جنبش المپیک یا جنبش دیپلماتیک؛ نقش ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جامعه جهانی»، تهران: تیک تاک، ص ۱۳۲.
۵. قربانی، ندا (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی: بحرین و عراق)»، پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص ۱۸.
۶. نصیری مقدم، مهدی (۱۳۹۱). «تبیین رابطه جام جهانی فوتبال با روابط خارجی کشورها»، پایان‌نامه دانشکده جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۴۴.
۷. یزدانی، عنایت‌الله؛ نژادزنده، رویا (۱۳۹۱). «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۷، ص ۴۴-۱۹.
8. Amirtash, A. M. (2005). "Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East". *Sport in Society*, 8(3), pp: 449-467.
9. Castro, A. S. (2013). "South Africa's engagement in sports diplomacy: The successful hosting of the 2010 FIFA World Cup". *The Hague Journal of Diplomacy*, 8(3-4), pp: 197-210.
10. Cha, V. (2013). "The Asian games and diplomacy in Asia: Korea-China-Russia". *The International Journal of the History of Sport*, 30(10), pp: 1176-1187.
11. Chehabi, H. E. (2001). "Sport diplomacy between the United States and Iran". *Diplomacy and Statecraft*, 12(1), pp: 89-106.
12. Feizabadi, M. S., Khabiri, M., Hamidi, M. (2013). "The relationship between the success of countries at the Guangzhou 2010 Summer Asian Games and demo-economic factors". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, pp: 369-374.
13. Fozooni, B. (2004). "Religion, politics and class: conflict and contestation in the development of football in Iran". *Soccer & Society*, 5(3), pp: 356-370.
14. Govindan, K., Azevedo, S. G., Carvalho, H., Cruz-Machado, V. (2015). "Lean, green and resilient practices influence on supply chain performance: interpretive structural modeling approach". *International Journal of Environmental Science and Technology*, 12(1), pp: 15-34.
15. Grix, J. (2013). "Sport politics and the Olympics". *Political Studies Review*, 11(1), pp: 15-25.

16. Grix, J., Houlihan, B. (2014). "Sports mega-events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012)". *The British Journal of Politics & International Relations*, 16(4), pp: 572-596.
17. Jackson, S. J. (2013). "The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world". *International Area Studies Review*, 16(3), pp: 274-284.
18. Lanzac, A., Blain, C. (2011). "Weapons of mass diplomacy". London, New York: Self Made Hero Abrams, pp: 113-129.
19. Murray, S., Pigman, G. A. (2014). "Mapping the relationship between international sport and diplomacy". *Sport in Society*, 17(9), pp: 1098-1118.
20. Ndlovu, S. M. (2013). "Sport under Communism: Behind the East German 'Miracle'". UK: Palgrave Macmillan, p: 280.
21. Pigman, G. A. (2014). "International sport and diplomacy's public dimension: Governments, sporting federations and the global audience". *Diplomacy & Statecraft*, 25(1), pp: 94-114.

